

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی هنرطنز در آثار صادق هدایت

راهنما:

دکتر محمدطاهری

استاد مشاور:

دکتر اسماعیل شفق

نگارش:

1388

تقدیم بہ:

استاد متواضع دکتور

میر عابدینی

ای کاش کلماتی می یافتم که مردم آنها را نمی شناختند؛ و جمله ها و افکار را به زبان تازه ای می آوردم که دوره ای آن منتفی نشده باشد؛ و مجبور نمی شدم چیزهایی را که صدها بار تکرار شده بازگو کنم - کاش می توانستم چیزهایی بیاورم که تازه باشد و باعث خستگی نشود، و از آن جمله نباشد که پدران ما گفته اند. (تاریخ

تمدن، ج1، خنپرسونبو، 2150 ق.م)

با سپاس و تشکر :

از استاد راهنمای عزیز دکترا **طاهری** که وقتشان را بی منت در اختیار این جانب قرار دادند و از هر گونه کمکی مضایقه فرمودند.

باسپاس از دکتر **شفق** که حاضر شدند مشاور اینجانب شوند و بامعذرت خواهی از ایشان که نتوانستم همکاری صمیمانه ای در طی مراحل نوشتن پایان نامه با ایشان داشته باشم .

باسپاس از داوران بزرگوار که لطف کردند و پایان نامه ی حقیر را مطالعه نموده اند.

و در آخر با سپاس از مادر عزیز و بزرگوارم که در طی این دو سال تمام مشقت ها را تحمل کردند و خم به ابرو نیاوردند.

نام خانوادگی دانشجو : خدابنده لو

نام : محمد

عنوان پایان نامه: بررسی هنر طنز در آثار صادق هدایت

استاد راهنما : دکتر محمد طاهری

استاد مشاور : دکتر اسماعیل شفق

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد

رشته : زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه : بوعلی سینا همدان

دانشکده : ادبیات و علوم انسانی

تاریخ فارغ التحصیلی : 88/10/28

تعداد صفحه : 135

چکیده:

طنز چه در کلام چه در درونمایه از ویژگی های بارز داستان های هدایت است. هدایت با طنز و ساده نویسی خود در داستانها و نوشته هایش با روشهای رسمی ادبی، داستانهای عشق آلود و قلمبه نویسی می ستیزد. در افسانه ی آفرینش، با طنز ملایمی کاریکاتوری از شرح خلقت بشر و داستان آدم و حوا را عرضه می کند. در وغ وغ ساهاب پته " شاعران شهیر " ، "نویسندگان عالیمقدار " و " مترجمان توانا " را به روی آب می اندازد. در پاره ای از این آثار حتی به فحاشی و بدگویی آشکاربر می خوریم که نمونه اش توپ مرواری و حاجی آقا است. در بعضی از آثار با بازی با یک سری جملات و کلمات دست می زند و در قبالشان توضیحی طنزآمیز می دهد که میهن پرست از جمله ی آنهاست. در بسیاری از جمله داستانهای کوتاه با طنزی تلخ به مصیبت حیوانات و طبقه ی فرودست می پردازد که آبی خانم و سگ ولگرد از جمله ی آنهاست.

کلید واژه ها : طنز، هدایت، داستان، بررسی

کلیات

تعریف مسئله و بیان نکات اصلی

صادق هدایت از پایه گذاران داستان نویسی مدرن در ادبیات فارسی است. یکی از شاخصه های سبک هدایت در داستان نویسی استفاده از هنر طنز در اکثر آثارش می باشد. صادق هدایت در آثارش از این حربه برای تمسخر اهل فرهنگستان در میهن پرست، سیاست پیشگان درحاجی آقا، استعمار اروپائی در توپ مرواری، یاهه گویان و خرافه پرستان در علویه خانم بازیانی تند و گاه عامیانه سود می جوید. همچنین از این شیوه به صورت طنزی سیاه در بوف کور برای نشان دادن اوضاع سیاه جامعه بهره می گیرد. بررسی طنز در آثار او دو جنبه از حالت خوش بینی و بدبینی را نشان می دهد.

سابقه و ضرورت انجام پژوهش

هرچند تاکنون مقاله ها و کتاب هایی درباره ی هنر داستان نویسی هدایت با مقوله ی طنز در ایران و خارج از ایران به چاپ رسیده است؛ اما اکثرا هیچ توضیحی بابت آن داده نشده است. و گاهی ما به برخی موارد از طنزهای هدایت همراه با توضیح برمی خوریم که "از افسانه تا واقعیت" همایون کاتوزیان یکی از آنهاست.

ضرورت

در آثار هدایت طنزی انتقادی، تند و نیش دار دیده می شود. از آنجا که تحقیق ادبی درباره هنر داستان نویسی هدایت احساس می شود این بررسی ما را به یکی از شگردهای موثر انتقاد یعنی طنزپردازی در آثار هدایت به عنوان یکی از برترین نویسندگان معاصر آشنا می سازد.

فرضیات

1- آیا هدایت در داستان نویسی صاحب سبک می باشد؟

2- طنز هدایت به کدام یک از معاصرین نزدیک است؟

3- نوآوری طنز هدایت کدام است؟

4- طنز هدایت چهره پنهان دارد یا آشکار؟

اهداف

1- آیا هدایت در طنزنویسی صاحب سبک می باشد؟

فهرست

صفحه	عنوان
1.....	پیشگفتار
	فصل 1:
2.....	نگاهی پیرامون طنز و ویژگی های آن
3.....	1-1 مقدمه
3.....	1-2 طنز از لحاظ لغوی
4.....	1-3 تعریف طنز
7.....	1-4 طنز مستقیم و غیر مستقیم
9.....	1-5 هجو
10.....	1-6 هزل
10.....	1-7 نقیضه
11.....	1-8 نظیره و کنایه
12.....	1-9 ناسازه گوئی
12.....	1-10 داستان نویسی
13.....	1-11 رمان
15.....	1-12 رمان پیکارسک
15.....	1-13 داستان کوتاه
16.....	1-14 فرق داستان کوتاه با رمان
17.....	1-15 اسطوره

فصل 2:

18..... **زندگی و احوال و افکار صادق هدایت**

19..... 2-1 نگاهی به زندگی نامه صادق هدایت

25..... 2-2 خلق و خو و افکار هدایت

فصل 3:

32..... **تجلی طنز در زندگی و داستانهای هدایت**

33..... 3-1 شوخ طبعی های هدایت

35 3-2 شگرد طنز نویسی هدایت

40 3-3 مقایسه طنز هدایت و چوبک

فصل 4:

44..... **نگاهی کلی به سبک داستان نویسی هدایت**

45..... 4-1 سبک داستان نویسی هدایت

فصل 5:

56..... **بررسی و تحلیل طنز در آثار هدایت**

57 5-1 حاجی آقا

57..... 5-1-1 خلاصه و نقد داستان حاجی آقا

60..... 5-1-2 بررسی موردی طنز در داستان حاجی آقا

64 5-2 توپ مرواری

64 5-2-1 خلاصه و نقد داستان توپ مرواری

67 بررسی موردی طنز در داستان توپ مرواری
74 5-3 وغ وغ ساهاب
74 5-3-1 خلاصه و نقد وغ وغ ساهاب
77 5-3-2 بررسی طنز چند قضیه از وغ وغ ساهاب
77 5-3-2-1 غزیه ی مرثیه ی شاعر
78 5-3-2-2 غزیه ی خیابون اللختی
78 5-3-2-3 غزیه ی ابوالعلاء
79 5-4 ولنکاری
79 5-4-1 قضیه ی مرغ روح
80 5-4-2 قضیه خر دجال
81 5-4-3 قضیه ی زیر بته
81 5-5 آب زندگانی
81 5-5-1 خلاصه و نقد داستان
83 5-6 میهن پرست
85 5-7 خلاصه و نقد داستان علویه خانم
87 5-7-1 بررسی موردی طنز در داستان علویه خانم
88 5-8 البعته
89 5-8-1 بررسی یک مورد از طنز البعته
90 5-9 خلاصه و نقد داستان سه قطره خون
92 5-9-1 بررسی موردی طنز در داستان سه قطره خون
94 5-10 خلاصه و نقد بوف کور
102 5-10-1 بررسی موردی طنز بوف کور

113..... 5-11 سگ ولگرد

117..... 5-12 افسانه ی آفرینش

118..... 5-13 دون ژوان کرج

119..... 5-14 زنی که مردش را گم کرد

121 5-15 آبیجی خانم

فصل 6:

124..... **خلاصه و نتیجه گیری**

125..... 6-1 خلاصه و نتیجه گیری

127 منابع

پیشگفتار

هدایت و عصرش را باید بشناسیم. تا در داوری‌ها و پیش‌داوری‌ها مان ره به خطا نبریم از خطرات و نامه‌های هدایت، از داوری‌های دوستان و دشمنان وی، از نقدهایی که بر آثارش نوشته شده‌اند از فحش‌هایی که به او داده‌اند از ستایش مبالغه‌آمیزی که در حقش کرده‌اند. از آثار شاد و شنگ و طنزآلودی که در مقابل آثار بدبینانه صف کشیده است.

منتقد از رهگذر زندگی نامه، درک اثر، مصالحی را فراهم می‌آورد تا اثر را بهتر در یابد. مصالحی مانند خواننده‌های هنرمند، حشر و نشرهایش با ادیبان، میزان تأثیرپذیری از دیگران و میزان نوآوری و خلاقیت و ابتکار، سفرهایش، سنتی که ذهن او را شکل داده و در اثرش بروز یافته آگاهی کافی و وافی بیابد.

زندگی و آثار هدایت رنجامه نسلی است که تلخکامی چشیده‌اند، روایت زندگی است با تمام بودها و نبودها و بایدها و نبایدهایش. هدایت می‌نوشت و زمانی که از دست رجاله‌های بی‌حیا و معلومات فروش و گدا به ستوه می‌آمد به استقبال مرگ می‌رفت مرگی که برای او از باده شیرین تر است. نوشته‌هایش روایت دردها، کژی‌ها ناراستی‌ها، پوچی‌ها و بن‌بست‌ها است. عموماً شخصیت‌های داستانهای او عموماً انسان‌هایی هستند غرق در کثافات و خرافات و با بدبختی خود می‌دانند؛ ما نویسنده سازش را راه درست نمی‌دانند. راه را در خودکشی، در طغیان علیه این همه بدبختی و مصیبت می‌دانند. کاری که تمام قهرمانان داستان‌ش کرده‌اند.

لامحاله این پایان نامه با رویکردی متفاوت از مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در تجلیل و یاد هدایت نوشته‌اند به جنبه‌ی شوخ‌طبعی هدایت با دوستان و آشنایان، شوخ‌طبعی در نامه‌ها، طنز در داستانهای او پرداخته است تا کمی جنبه‌ی انصاف نیز از نظر دور نماند.

فصل 1

نکاتی پیرامون

طنز و ویژگی های آن

1-1 مقدمه

طنز یکی از عناصر مهم انواع ادبی است. تلاش طنز در منکوب کردن فرد است. طعن او کوششی است برای پیروز شدن بر آنچه بیرون از توانایی ماست. طنزپرداز تنها بر آنچه‌ای که آماج طعن اوست پیروز است. پیروزی او - درحقیقت - تفوق اخلاقی و معنوی اوست نه مادی. اشک‌های که با خنده‌ی طنزنویس همراه است که دیگران نمی‌بینند - اشک‌هایی که جان سوز است. در طنز، نوعی پاکی و تقدس وجود دارد. بیهوده نیست که آن را به خداوند نسبت داده اند که آدم و حوا را، به گناه آغازین از بهشت راند. اگر عیب و نقص هم نباشد، طنز هم نیست.

2-1 طنز از لحاظ لغوی

"واژه‌ی طنز مصدر ثلاثی مجرد عربی از فعل "طنز، یطنز" است که به معنای استهزاء و تمسخر است." 1
 "طنز در لغت به معنی: طعنه، سخریه، فسوس کردن، سخن به رمزگفتن، تهمت زدن، ریشخند کردن، بر کسی خندیدن، عیب کردن و ... به کار رفته است." 2
 "کلمه‌ی طنز برابر نهاده‌ی واژه‌ی satire است که satira و satura در زبان لاتینی، گرفته شده است؛ و آن ظرفی پر از میوه‌های گوناگون است که به یکی از خدایان فلاحت و زراعت هدیه کرده اند." 3
 "طنز واژه‌ای عربی است. در نیمه‌ی دوم قرن شانزدهم نویسندگان دوره‌ی ملکه الیزابت اول به غلط تصویری کردند satire برگرفته از satry است. satry موجود خیالی از اساطیر یونانی بود که به تندخویی، بی ادبی بر ملا کردن عیب‌های پنهان شهرت داشت." 4
 در فارسی طنز به معنای satire اروپائیان وجود نداشته خود این کلمه از یونانی می‌آید. در فارسی و ترکی و عربی دقیقاً معنی طنز آمیز نداشته در فارسی سابقاً هجو به کار می‌رفته که بیشتر جنبه‌ی انتقاد مستقیم شخصی داشته و به معنی انتقاد غیر مستقیم و طنز آمیز (satire) نبوده. در

1- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 246.

2- طنز و طنزپردازی در ایران، ص 2.

3- طنز در ادب فارسی، ص 27.

4- فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، ص 140.

فارسی نیز به معنای "هزل" به کار می رفته است همچنین طنز در ترکی با اصطلاح مزاح، در عربی هجا، تحکم، فکاهه به کار برده می شد.¹

"در یونان فلاسفه از جمله ارسطو به طنز در قالب کمدی توجه کرده: و آن را یکی از انواع تراژدی - کمدی - درام، دانسته اند."²

طنزنویسی در ادبیات غرب با شاعران یونانی آرکیلوکوس (قرن هفتم قبل از میلاد) و هیپوناکس (قرن ششم قبل از میلاد) شروع می شود. مولف تاریخ جهان باستان نخستین طنزنویس را، شاعری فیلسوف مسلک، اهل رم، به نام کونیتوس هوراتیوس فلاکوس می داند. او نخستین کتاب طنز را بتاریخ 23 دسامبر سال (35) پیش از میلاد مسیح انتشار داد، که هنوز طنزهای او را کسانی که به زبان لاتین آشنایی دارند می خوانند.³

3-1 طنز چیست؟

"هرگاه انتقاد آمیخته به هزل وجد و مطایبه و نکته پرانی باشد و در لفافه شیخ مزاح کارها نمایانده شود آنرا طنز نامند."⁴

سارتر طنز را "گذاشتن پا بیرون از جاده ی شرم" تعریف می کند.⁵
سویفت در پیشگفتار "نبرد کتاب" ها می گوید: "طنز نوعی آینه است، که نظاره گران عموماً چهره ی هرکسی را به جز خود در آن تماشا می کنند."⁶
دکتر شفیع - که نظرش بیشتر صائب است - می گوید: "طنز تصویر هنری اجتماع ضدین یا نقیضین" است.⁷

طنز کاستن از کسی یا چیزی است که به نحوی باعث خنده و سرگرمی و تحقیر شود. "این تعریف ناقص است زیرا طنزگاهی برای خنده و سرگرمی دست به اغراق می زند."⁸

1- تاریخ طنز در ادبیات فارسی، ص 84.

2- فصلنامه پژوهش و فرهنگ، ص 246.

3- واژه نامه شاعری، ص 181.

4- قلمرو قلم، ص 78.

5- بیست سال باطنز، ص 6.

6- همان منبع، ص 5.

7- همان منبع، ص 8.

8- انواع ادبی، ص 165.

کاستن از چیزی در واقع مغرضانه و هجو شخصی است و افزودن بر صفات نابوده ی فرد هم او را به تمسخر گرفتن است.

"بعضی ها به طنز می گویند: reflex. رفلکس قطعه ای در ماشین است که باید حتما تنظیم شود و اگر چنین نشود ماشین یا خراب می شود یا از کار می افتد.¹

طنز یک فرم هنری است که بوسیله درام نویسان به کار برده می شود. طنزخسونت آمیز واغلب کینه دار، و با هجوم روی اشخاصی که نویسنده از آنها متنفر است، شروع می شود.²

"طنز شیوه ی بیان آگاهانه ای است به منظور نمایان ساختن غرابت آدمی و تناقض آشکاری که عملکرد وی با واقعیت دارد."³

ملویل کلارک می گوید: "جهان طنز روی یک بیضی به دور دو کانون، یعنی افشای بلاهت و تنبیه رذالت، در نوسان است. مقولات شوخی و جدی، مبتذل و آموزنده را در برمی گیرد دامنه اش از نهایت شقاوت و خسونت تا غایت شکوه و ظرافت است. تک گویی، گفتگو، خیالبافی، مضحکه، هزل، تقلید مسخره آمیز... و سطح آن مثل رنگ آفتاب پرست، لحن های گوناگون طیف طنز را ارائه می دهد: بذله، فکاهی، تمسخر، کنایه، بدبینی، هتاکی."⁴

دکتر عبدالحسین زرین کوب می گوید: "طنز، خاص عواطف رنج آمیزی است که رنج های مخاطب را بر می انگیزد، به همین دلیل زبان نیش آلود طنز در تمام ادوار یک ملت حکم ضرورتی پیدا می کند تا مسولان سرنوشت مردم، جهان پیرامون خویش را از یاد نبرده اند و بدانند جز آنان که فرمان می دهند، اکثریتی نیز هستند که فرمان می برند."⁵

"طنز را زاده ی گزینه ی اعتراض دانسته اند، منتها اعتراضی که تعالی یافته و تذهیب شده و شکل هنری به خود گرفته است. از این رو، اغلب آثار طنزآمیز در وضعیت خفقان و فشارهای سیاسی واجتماعی شکل می گیرد. و نشان دهنده عدم تابعیت نویسنده از او ضاع حاکم است."⁶

طنز، در اثر "قید بندهای اجتماعی و سیاسی، در حد افراط یا تفریط، اختناق می آفریند و در جو اختناق طنز پدید می آید.⁷

1- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 471.

2- شناخت نامه ی فروغ، ص 43.

3- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 217.

4- طنز، ص 9.

5- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 53.

6- واژه نامه شاعری، ص 181.

7- تجدد ادبی در دوره مشروطه، 235.

می شود گفت که طنزننگار، به نحوی وضع شاعرملامتی را بازی می کند و نوعی نقش سرزنشگر همیشگی را به عهده دارد.¹

"اهل طنز از زندگی فاصله می گیرد تا آن را به عنوان تماشاگر نگاه کند. در برابر او عروسک های خیمه شب بازی در حرکتند و کافی است که نخ های آنها را ببیند تا پی ببرد که حرکات آنها جدیتی گزافه و دروغین است."²

اهل طنز "...با مشاهده ی وارون گشتگی روابطی که آنها را طبیعی و به هنجار، عقلانی و اخلاقی می داند برآشفته می شود و با احساس تمایل به خندیدن برنا به هنجاری این مناسبات از سر بی اعتنائی، انتقام جوینا نه به تحقیر و خوار و خفیف ساختن آنها دل خوش می کند؛ در حالی که به کلمات و تعبیرات معنای وارونه می دهد یا موقعیت عکس موقعیت واقعی را وصف میکند. طفلی سراپا گل آلود از دبستان به خانه می آید و مادرش به او می گوید: به به! چه بچه تر و تمیزی!"³

"هدف طنز، خنده نیست بلکه نیشخند است خندانند نیست بلکه در واقع گریاندن است."⁴
نیشخند طنز، کنایه آمیز است و توأم با خشم و قهری است که با خود داری حکیمانه ای آمیخته است. "درایدن هدف طنز را" اصلاح پلیدی" می داند.⁵

"طنزننگار می می تواند به هدف عالی برسد که از روحی پاک و بلند تراوش کند، روحی که از مشاهده ی اختلاف عمیق و عجیب زندگی موجود با اندیشه مأمول در رنج و عذاب است. همین صفات عالی و هدف بزرگ است که هوراسیا در روزگاران قدیم بدان اشاره کرده است."⁶
پیراند لو می گوید: "طنزش مثل ستون هرمس دو چهره ای است که یک چهره به اشک چهره دیگرش می خندد."⁷

سالی برسلین می گوید: "فهم طنز درونی است نوشته ای که شما فکر می کنید طنزی واقعی است و به هنگام خواندن نشانه ها یتان از خنده تکان می خورد، ممکن است بعضی ها را فقط وا دارد که با دهان بسته لبخند بزنند."⁸

1- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 43.

2- مکتبهای ادبی، ج 1، ص 814.

3- نگارش و ویرایش، ص 60.

4- طنز آوران امروز ایران، ص 7.

5- طنز، ص 5.

6- از صباتانیا، ص 37.

7- فصلنامه پژوهش و سنجش، ص 142.

8- داستان از نگاه داستان نویس، ص 91.

سالی برسلین می گوید: "هیچ چیز سخت تر از نوشتن یک مطلب طنز نیست." *e. Eliotte* هم سرانجام به این نتیجه رسیده بود که، دادن یک تعریف از طنز امکان پذیر نیست. به نظر او بهترین کاری که ما می توانیم بکنیم، این است که به کارها یی که درگذشته به گونه ی سنتی به حیث مطلب طنز شناخته شده اند بنگریم و نمونه های نو را با آنها ن محک بزنیم.¹

طنز بر اساس تحقیق و نظر برخی از پژوهشگران دارای سه اصل "تعمیم"، "اغراق" و "واقعیت" است.²

طنز برخلاف تراژدی و کمدی ستایش نمی کند بلکه باد آدم ها را می خواباند. "هدف اصلی کمدی ایجاد خنده و سرگرمی و نشاط است." از وجهی می تواند طنز باشد هم نمی تواند. کمدی در حالی که می خنداند خود نیز می پذیرد یا همراه خواننده می خندد. اما طنز هدف اصلی اش از تمسخر صرفا خنداندن نیست؛ بلکه همراه خنده به انتقاد و مبارزه با آنچه نا بسامان می پردازد.³

بدین ترتیب خنده در طنز وسیله است نه هدف. نویسنده از زبان یک تیپ خاص وقتی صحبت می کند که هدف والاتری از اغراض شخصی را دنبال کند.⁴

4-1 طنز مستقیم و غیر مستقیم

"طنز به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می شود. در طنز مستقیم راوی من اول شخص است که خود را جار می زند." طنز مستقیم نیز به دو نوع هوراسی و طنز جوانی تقسیم می شود. در طنز هوراسی *Horation Saatire* سخنگو فردی مودب و فردی زیرک است که با طنزهایش بیشتر باعث سرگرمی است و کمتر باعث خشم و رنجش می شود. زبان او نرم و ملایم است و گاهی خودش را به مسخره می گیرد. خنده ای که از این نوع طنز ناشی میشود بیشتر از سر دلسوزی است تا تحقیر و تمسخر. "در طنز جوانی *juvenalia Satire* سخنگو یک معلم جدی اخلاق است. سبکی موقر دارد و مفسده ها و خطاها را که به نظر او کاملاً جدی هستند بدون گذشت مطرح می کند و باعث تحقیر و رنجش می شود."⁵

طنز منسوب به جوانی، گزنده و تلخ است که موضوع خود را مورد حمله قرار میدهد. "طنز دارای دو شگرد ظرافت و انتقاد است. طنزهای جوانی حداقل ظرافت و طنزهای هوراسی حداقل انتقاد را دارا

1- داستان از نگاه داستان نویس، ص 87.

2- فصلنامه فرهنگ و پژوهش، ص 152.

3- طنز، ص 9.

4- بیست سال با طنز، ص 13.

5- انواع ادبی، ص 166.